

کارکرد اجتماعی غذای ایرانی در مراسم آیینی-مذهبی: قدرت، باور، ارزش

مرضیه اطهاری نیک عزم*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

The Social Function of Iranian Food in Ritual-Religious Ceremonies: Power, Belief, Value

Marzieh Athari Nikazm*

Assistant Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 2022/05/27

Accepted: 2022/06/25

10.30473/il.2023.64183.1539

Abstract

Food as a way of communication between different people in society can turn an individual experience into a collective experience. The aim of this study is to investigate the social function of food in Iranian society in the framework of social semantics. The corpus of the study is the votive food that evokes certain values and beliefs for every Iranian Shiite person. We know that food is a way of communication between different people in society and can turn an individual experience into a collective experience. Votive food has transcendental values and is a link between members of the community, but it is also based on a religious dimension, which is effective and has a predetermined role. Besides enjoying food, the desire to achieve something or fulfill a need is hidden in it. This article shows that, firstly, the votive food has a religious value; and secondly, while mixing the layers of its power, it causes the formation of new layers of power and connects pleasure through the senses to knowledge. and finally, creates a visual system.

Keywords: Votive Food, Social Semiotic, Value, Power, Belief, Sociolinguistics.

چکیده

غذا به عنوان یک شیوه ارتباطی میان افراد مختلف جامعه می‌تواند تجربه‌ای فردی را به تجربه جمعی تبدیل کند. این مقاله قصد دارد کارکرد اجتماعی غذا در جامعه ایران را در چهارچوب نشانه-معناشناسی اجتماعی بررسی کند. پیکره مورد مطالعه غذای نذری می‌باشد که ارزش‌ها و باورهای خاصی را برای هر فرد شیعه ایرانی تداعی می‌کند. علت انتخاب غذای نذری آن است که دارای ارزش‌های متعالی است و نه تنها مانند غذاهای غیرآیینی پیونددهنده میان افراد اجتماع است، بلکه دارای وجاهتی مذهبی است و نقش از پیش تعیین شده‌ای را ایفا می‌نماید؛ تنها مسئله لذت بردن از غذا نیست، بلکه آرزوی رسیدن به چیزی، یا برآورده شدن حاجتی در آن مستتر می‌باشد. این مقاله نشان می‌دهد که اولاً غذای نذری ارزش مذهبی دارد، ثانیاً در ضمن برهم‌زدن لایه‌های قدرت خود موجب شکل‌گیری لایه‌های تازه‌ای از قدرت می‌گردد و لذت از طریق حواس را به شناخت پیوند می‌دهد و در نهایت، نظام بیناشانه‌ای به‌وجود می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: غذای نذری، نشانه‌شناسی اجتماعی، باور، ارزش، قدرت، بعد مذهبی، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که در چهارچوب نشانه‌شناسی سوسور-یمسلف قرار می‌گیرد و موضوع بررسی آن اجتماع و روابط اجتماعی میان افراد بوده و به تحلیل معنا از خلال روابط و اعمال اجتماعی می‌پردازد. این شاخه از نشانه‌شناسی اواسط دهه ۱۹۷۰ در فرانسه، ایتالیا و آمریکای لاتین به صورت‌های متفاوتی شکل گرفت. در ابتدا از تحلیل فیلم‌های سینما و تلویزیون آغاز گردید و سپس به تحلیل شرایط و محیط‌هایی پرداخت که افراد با یکدیگر به برقراری ارتباط و به تبادل معانی، مفاهیم و ارزش‌ها می‌پردازند. از جمله نظریه‌پردازی که به بحث نشانه‌شناسی اجتماعی پرداخته‌اند می‌توان گرماس^۱ (۱۹۷۶)، فلوش^۲ (۱۹۹۵)، لاندوسکی^۳ (۱۹۹۷)، مارونه^۴ (۲۰۰۱) و مارچیانی^۵ (۲۰۰۷) را نام برد.

هنگامی که سخن از نشانه‌شناسی اجتماعی به میان می‌آید، موضوع بررسی تنها جامعه نیست، بلکه چگونگی تولید معنا در روابط اجتماعی میان افراد می‌باشد. برای نخستین بار در سال ۱۹۶۰، گرماس مسئله نظام‌های ثانویه اجتماعی را مطرح کرد و اذعان داشت که معنا در گفتار، اعمال، ژست و حرکات افراد در هر جامعه‌ای متفاوت است، پس از آن این مسئله به‌طور عمیق‌تر و در تبادل معنا میان افراد و یا فرد و جامعه مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، نشانه‌شناسی اجتماعی نظریه تولید و دریافت معنا در عمل می‌باشد که به دنبال نشانه‌شناسی عمومی شکل گرفت و به تحلیل ادراک انسان از محیط پیرامونش، رمزگشایی و خوانش اشکال کلامی و غیرکلامی پرداخت. باور نشانه‌شناسی اجتماعی بر این است که جهان اطراف ما به مانند شبکه‌ای از معناست و لازم است ارزش‌های آن را کشف کرد. بدین ترتیب، نشانه‌شناسی اجتماعی کنش‌های معنادار افراد را در شرایط فرهنگی- اجتماعی خاص مطالعه کرده و کارکرد معنا را در پراتیک (عمل) توضیح می‌دهد؛ در واقع، ابعاد اجتماعی معنا که بین فرد و جامعه ایجاد می‌شود را روشن می‌نماید. شیوه‌های مختلف ارتباطی از قبیل دیداری، شنیداری، حسی- ادراکی، و غیره وجود دارد که موجب ارتباط میان افراد جامعه می‌گردد.

در این مقاله، پیکره مطالعاتی در نظر گرفته شده غذای نذری در مراسم عاشورا است که البته بحث گسترده‌ای است زیرا در واقع مرتبط با سفره‌های نذری می‌باشد که از مدت‌های مدید وجود داشته و زنان در شکل‌گیری این سفره‌ها نقش مهمی را ایفا کرده و می‌کنند. باید اذعان داشت که به طور کلی مفهوم "سفره" در فرهنگ ایرانی بار معنایی بسیاری دارد که عوامل فرهنگی و مذهبی در آن دخیل هستند. سفره‌هایی نظیر سفره هفت‌سین، سفره شب یلدا و غیره دارای ارزش فرهنگی بسیاری می‌باشند که تنها در مذهب شیعه وجود ندارند، بلکه از دیر باز بین زرتشتیان رایج بوده است^۶. از میان سفره‌های زرتشتیان، می‌توان سفره بی‌بی سه‌شنبه، پیر واهومان روز، سفره دختر شاه پریان، سفره نخود یا گره‌گشایی را نام برد. همانطور که می‌دانیم، در مذهب شیعه هم سفره‌های مختلفی وجود دارد؛ نظیر سفره فاطمه‌زهرا، سفره سبز، بی‌بی نور، بی‌بی هور، حضرت خضر، سفره حضرت ابوالفضل، سفره حضرت رقیه و غیره. با این مطالعه نقش غذا و خوراکی در مراسم آیینی- مذهبی مشخص می‌گردد که زنان آغازگر آن بوده‌اند. پیکره مطالعاتی این پژوهش محدود به غذای نذری و آن‌هم در مراسم عاشورا تاسوعا می‌باشد. رویکرد مورد مطالعه، نشانه- معنانشناسی مکتب پاریس می‌باشد.

بنا به گفته فونتنی^۷، ما با غذا خوردن همواره با دو پراتیک سروکار داریم: غذا خوردن و گفتگو کردن، زیرا در کشور فرانسه، گفتگو و بحث هنگام صرف غذا مهم است. در پیکره مطالعاتی ایران، دو پراتیک (عمل) منطبق بر هم وجود دارد: غذا خوردن و دعا کردن، غذا خوردن و عزاداری کردن. سؤال اینجاست که نظام‌های معنایی در غذای نذری عاشورایی به چه شیوه‌هایی ظاهر می‌گردد و چگونه تبدیل به نشانه‌ای اجتماعی ویژه‌ای می‌گردد.

این مقاله سعی دارد نشان دهد که اولاً غذا ارزشی مذهبی پیدا می‌کند، زیرا در واقع، تغییر ارزش‌ها باعث تولید معنای جدید می‌شود، ثانیاً غذای نذری در ضمن برهم‌زدن لایه‌های قدرت (از بین بردن تفاوت طبقاتی) خود موجب شکل‌گیری لایه‌های تازه‌ای از قدرت می‌گردد، یادآور باوری

۶. هاشم رضی لیست کاملی از سفره‌های سنتی و مذهبی زرتشتیان را جمع‌آوری کرده است. خانم فرنگیس مزدارپور نیز سفره‌های زرتشتیان نظیر سفره بی‌بی سه‌شنبه، پیر واهومان روز، سفره دختر شاه پریان، سفره نخود یا گره‌گشایی، را گردآوری کرده است.

7. J. Fontanille

1. A. J. Greimas
2. J.M. Floch
3. E. Landowski
4. G. Marrone
5. F. Marscianni

امکان را به نویسنده می‌دهد که زبانی متفاوت خلق کند که به دور از تمام کلیشه‌های غربی باشد. او سعی دارد یک فرد ژاپنی را در این زبان ناشناخته پیدا کند. این کتاب یک جستجوی هستی‌شناسانه است که از هر گونه نماد و کلیشه‌های غربی به دور می‌باشد. در مورد خوراک این مردم، غذای "سوکیاکی" که نوعی خورش ژاپنی است را مطرح کرده و به تفصیل شرح می‌دهد که چگونه مواد طبیعی نزد دیگران درون دیگ ریخته شده، پخته می‌شود و شکل و حالت آن‌ها تغییر می‌کند و از آن به عنوان "متنی بی‌پایان" سخن می‌گوید. «همه چیز در این غذاها آرایشی است بر آرایشی دیگر: و نخست از آن‌رو که بر روی میز و بر روی سینی غذا، غذاها هیچ‌چیز جز جمعی از پاره‌ها نیستند که هیچ نظم خاص و هیچ اولییتی برای صرف آن‌ها وجود ندارد: خوردن غذا به هیچ‌رو تبعیت از یک فهرست و ترتیب (با یک خط سیر) نیست، بلکه صرفاً به معنای برداشتهایی کوچک با نوک چوبک‌ها، از این رنگ و آن رنگ، از این پاره و آن پاره بر اساس نوعی الهام است که در طول فرایندی آرام همچون جریان جدا افتاده و غیرمستقیم یک گفتگو (که خود می‌تواند بسیار پرسکوت باشد) تبلور می‌یابد، و همچنین از آن‌رو که این غذا - و همین اصلش را می‌سازد - درون ظرف یگانه‌ای از زمان، زمان ساختن و زمان مصرف خود را به هم می‌پیوندد، سوکیاکی، غذایی که ساختن، مصرف و شاید بتوان گفت "گفت گو" یش بی‌پایان می‌نماید (.....) و بدین ترتیب به غذایی تمرکزباخته بدل می‌شود: به متنی بی‌پایان.» (بارت، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵). او به مطالعه غذای "تمپورا" نیز می‌پردازد و اظهار می‌دارد: «هنرمند در ازدحام رستوران و در تقاطع سفارش‌های غذا، نوعی طبقه‌بندی به‌وجود می‌آورد که نه به زمان، بلکه به زمان‌ها (زمان‌های یک دستور زبان تمپورا) مربوط می‌شود. او طیف اعمالی را آشکار می‌کند و غذا را نه همچون یک کالای تعین یافته، که تنها تکمیل شدنش به آن ارزش می‌دهد (همچون در غذاهای ما)، بلکه به مثابه محصولی که معنای آن نهایی نیست روایت می‌کند، محصولی که به تدریج معنا می‌یابد و در انتها معنا به پایان نرسیده، بلکه از توان افتاده است: فرد است که غذا می‌خورد، اما اوست که دست به بازی زده، نوشتار خود را فرو نهاده و محصول خود را حاصل کرده است» (همان: ۵۰).

در سال ۱۹۹۸ در فرانسه شماره ۵۵-۵۶، مجله نوو اکت سمیوتیک با عنوان "نشانه-معناشناسی گورقماند: ذائقه مرز

مذهبی است و لذت از طریق حواس را به شناخت پیوند می‌دهد، و ثالثاً نظام نشانه‌ای پیچیده‌ای است که ارتباط میان افراد را از طریق نشانه‌شناسی درهم‌آمیخته‌ای^۱ به‌وجود می‌آورد که در آن سیستم‌های ارزشی نامتجانس^۲ نقش دارند^۳، یعنی یک نظام بینانسانه‌ای^۴ به‌وجود می‌آورد.

پیشینه تحقیق

برای نخستین بار، بارت^۵ در سال ۱۹۶۴، در عناصر نشانه‌شناسی^۶ درباره غذا و خوراک به مثابه نظامی دلالت‌گر سخن می‌گوید: «در نظام غذا بی‌هیچ دشواری شاهد تمایز سوسور هستیم. زبان خوراک تشکیل شده است از ۱. قواعد منع (تابوهای غذایی)، ۲. تقابل‌های دلالت‌گر واحدها، که نوع آن باید تعیین شود (برای مثال نوع تند/شیرین)، ۳. قواعد متداعی، چه همزمان (در سطح یک خوراک) و چه متوالی (در سطح صورت غذا)، ۴. آیین‌های کاربرد که شاید در حکم نوعی بلاغت خوراک عمل می‌کنند. اما در مورد "گفتار" در خوراک که بسیار غنی است، تشکیل شده است از کلیه تنوع‌های فردی (با خانوادگی) تهیه و تداعی (شاید بتوان روش پخت‌وپز در یک خانواده را که با مجموعه‌ای از عادات سروکار دارد، یک جور لهجه فردی در نظر گرفت). برای مثال، فهرست غذا خیلی خوب نشان‌دهنده روابط بین گفتار و زبان است: هر فهرست غذا با ارجاع به یک ساختار (که هم ملی-یا منطقه‌ای - و هم اجتماعی است) انسجام می‌یابد، اما این ساختار بسته به روزهای متفاوت و کاربران متفاوت به گونه‌های متفاوتی پر می‌شود.» (سجودی، ۱۳۸۵: ۴-۵).

بارت در سال ۱۹۷۰، در کتاب *امپراتوری نشانه‌ها*^۷ که تضاد و تقابل بین دو فرهنگ شرق و غرب را مورد مطالعه قرار می‌دهد، گزارشی از سفرش را به ژاپن داده و در دو مقاله درباره خوراک از آن به عنوان نشانه سخن به میان می‌آورد. در این کتاب "دیگری" به طور کامل بررسی شده و حتی از "تغییر شکل" سخن به میان می‌آورد. ژاپن در واقع این

1. Sémiotique syncrétique

2. Système de valeurs de natures hétérogènes

لازم به ذکر است که در اینجا ارزش‌های مادی و ارزش‌های معنوی کنار هم قرار می‌گیرند، به همین علت سخن از سیستم ارزشی نامتجانس به میان می‌آید و به دلیل نقش پدیدارشناسی، در این راستا، ما از یک نظام بینانسانه‌ای صحبت می‌کنیم.

4. intersémiotique

5. R. Barthes

6. *Eléments de sémiologie*

7. *L'Empire des signes*

پارک^۳ (۲۰۰۱، ۷۶-۷۸) در تحلیلی که از کتاب کره‌ای "خوردن تنقلات در سینما" در مجله نوو اکت سمیوتیک نوشت^۴، نشانه‌شناسی اجتماعی غذا را توضیح داده و اذعان می‌دارد که در غذا سه نکته اساسی مطرح است:

۱. تولید و معرفی غذا، مزه یا طعمی که به وجود آمده و ایجاد شده^۵

۲. (قسمت پراگماتیک، کاربردی آن که قرار است مزه و طعم را برای خورنده غذا به وجود آورد^۶.)

۳. عمل توانایی ارتباط اجتماعی - فرهنگی که نقش محوری در این میان ایفا می‌کند.

بعد از این سه نکته، او توضیح می‌دهد که در آشپزی دو تغییر وجود دارد. تغییر اول تغییر ساختاری است که مواد را تبدیل به یک مزه می‌کند که تأثیر حسی آن مهم است. تغییر دوم ارزشمند کردن غذا است که به کنشگران و به توانش‌ها و کنش‌های آنان مرتبط است و در بافت اجتماعی-فرهنگی جای می‌گیرد، که در دومی مدالیته‌ها (مؤثرها) نقش اساسی ایفا می‌نمایند.

با توجه به این سه نکته در مورد معناسازی غذا، اولین تولید معنا از طریق حس چشایی است. این قسمت مربوط به حس چشایی بحث پدیدارشناسی و تولید معنا از طریق حس چشایی را به میان می‌آورد. یادآوری نماییم که یکی از نشانه‌شناسان مکتب پاریس به نام بردورون^۷ مطالعاتی در زمینه "تجربه چشایی" انجام داده و اذعان می‌دارد همانطور که در گفته‌پردازی، زبان (پدیده انتزاعی) معنادار می‌شود آنهم به صورت گفتمان، در ادراک و دریافت از طریق حواس پنجگانه، جسم فیزیکی ما که دریافت‌کننده است معناسازی می‌کند. در واقع، معنا با حس چشایی ساخته می‌شود چرا که به نوعی، حضور ما در دنیای مادی اعلام می‌گردد و معنا در این حضور به وجود می‌آید^۸. بردورون بحث فاعل یا سوژه دریافت‌کننده را مطرح می‌کند که کوکه در نشانه‌شناسی سوژه‌کنال آن را به‌طور مفصل آورده است. حضور در

میان شناخت و اجتماعی بودن^۹، که در دانشگاه لیموژ به چاپ رسید، به نشانه‌شناسی ذائقه اختصاص داده شد و در آن نشانه‌شناسان فرانسوی و ایتالیایی به مطالعه ذائقه در موارد مختلف نظیر سیگار کشیدن و غیره پرداختند: نشانه‌شناسی نظیر اریک لاندوسکی، جورجیو گرینفانی، جیان-فرانکو مارونه، فرانچسکو مارچیانی، استفانو مونتز و لیسیا تاورنا.

سجودی در مقاله "درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک: بررسی نمونه ای از گفتمان سینمایی" با الهام گرفتن از تفکرات بارت، خوراک را از تغذیه جدا نموده و «تغذیه را فعالیتی زیستی و غریزی و خوراک را فعالیتی فرهنگی» دانسته (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۴)، خوراک را به عنوان نظامی نشانه‌ای مطرح کرده و آن را به طور موردی در فیلم "مهمان مامان" تحلیل می‌نماید. او در این زمینه اذعان می‌دارد: «خوراک در مهمان مامان محوری است که همه وقایع بعدی فیلم، روابط بین اشخاص، موقعیت‌های اجتماعی، تمایز قومی و طبقاتی حول آن شکل می‌گیرد و نظام نشانه‌ای خوراک فعالانه به کارگرفته می‌شود تا امکان بیان کنش، مناسبات، موقعیت در سطح خرد و کلان فراهم شود.» (همان: ۱۰). او بر نقش نظام خوراک در ایجاد همگرایی و واگرایی اجتماعی و نقش تمایزآفرین بین خود و دیگری تأکید می‌کند.

کیم^۲ (۲۰۱۲)، در همایش "تن و شراب"، با الهام از تفکرات بارت به مطالعه آشپزی کره‌ای پرداخته و مسائل حسی-ادراکی را در آن مطرح می‌کند و اذعان می‌دارد که ارتباط در چهارچوب نظام نشانه‌ای درهم‌آمیخته‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان گفت یک نظام بینا نشانه‌ای به وجود می‌آورد. با خوردن و آشامیدن، ذائقه بو یا طعم و حس لامسه با هم ترکیب می‌شوند.

روش تحلیل این پژوهش نشانه-معنا شناسی اجتماعی مکتب پاریس می‌باشد که متفاوت از نشانه‌شناسی بارت می‌باشد. در واقع باید اذعان داشت که مکتب پاریس از نشانه‌شناسی زایشی سخن می‌گوید و نه توصیفی (مکتب آنگلو ساکسون) و روند تولید معنا را مد نظر قرار می‌دهد.

کارکرد اجتماعی غذا و نظامهای معنایی

در ابتدا باید گفت که غذا نظام نشانه‌ای ثابت و یکپارچه‌ای نیست، بلکه چندین نظام نشانه‌ای در هم آمیخته می‌شوند.

3. V. Park

4. Note de lecture : Seung Kook Balk : Manger le fondu au cinéma, *Nouveaux actes sémiotiques*, n° 76-77-78, 2001, p. 192-198

5. Goût constitué

6. Goût à constituer

7. J.F. Bordron

8. J.C. Coquet

به همین دلیل در ماه رمضان در یک زمان معین از خوردن و آشامیدن صرف‌نظر می‌شود که در واقع به نوعی عدم‌حضور در دنیای مادی می‌باشد.

1. *Nouveaux actes sémiotiques*, « Sémiotique gourmande : Du goût entre esthétisme et sociabilité »

2. S. Kim

این دو بعد را از هم جدا کرد. در یک جامعه فرهنگی، اینجا گروه عزاداران، بین لذت‌های فردی (خوردن غذا) و اعضای آن رابطه بین‌الذنهانی به وجود می‌آید. حس به ادراک متصل می‌شود. لذت حس به معنا و یا حس لذت وابسته می‌گردد. (لذت حس چشایی فردی است ولی حس لذت، جمعی می‌شود). لذت تن را به نشانه‌ای قراردادی پیوند می‌دهد. غذای نذری به عنوان یک نماد، یک قرارداد در مراسم عزاداری است که در آن ارزش مذهبی به‌طور ضمنی در لایه زیرین آن وجود دارد که نه تنها بدن جسمی، بلکه بدن عاطفی و حسی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در واقع، غذای نذری به عنوان واسطه‌ای که روابط صمیمانه و دوستانه‌ای (حس مشترک) را بین افراد ایجاد می‌کند دارای فضیلتی می‌گردد که وابسته به خود غذا نیست، یعنی تفاوتی نمی‌کند چه غذایی به عنوان غذای نذری سرو شود، مهم این است که در یک فضای اجتماعی سرو می‌شود که فضای ذهنی قوی دارد. کی؟ با چه کسانی؟ چرا؟ چگونه؟ کجا؟ این غذا خورده می‌شود؟ زمان، مکان، آدم‌ها در خوردن آن به‌طور ضمنی دخیل می‌شود. این سؤالات آن قدر اهمیت پیدا می‌کند که مزه غذا را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. "در فلان هیئت"، "در فلان امامزاده"، "غذای نذری فلان شخص" اینجاست که ارزش‌های جدیدی برای غذا به وجود می‌آید که فراتر از غذا خوردن و سیر شدن است که معنای اولیه غذاست. در چنین شرایطی، یک سلسله ساختارهای اجتماعی به جامعه تحمیل می‌شود. از یک طرف، غذای نذری ایجادکننده یک رابطه اجتماعی است و از طرف دیگر، نشان‌دهنده حضور دیگریست که ارزشمند می‌باشد. گرایش به سمت دیگری پدید می‌آید، و تنها لذت فیزیکی و مادی نیست، به عبارت دیگر، موضوع تنها لذت و حظ و کیف بردن ساده از یک غذا نیست، بلکه در بافتی قرار می‌گیرد که اجتماع‌ساز است، یعنی تولیدکننده کنشگر است، هر لحظه کنشگران جدید به وجود می‌آورد و آن‌ها را بین حس و معنا قرار می‌دهد، میان استزی^۷ (شناخت از طریق حواس) و خصوصیت اجتماعی آن.

همانطور که در ابتدای بحث گفته شد، پارک (۲۰۰۱) نیز سه بعد برای نشانه‌شناسی غذا مطرح کرد که بعد سوم آن مهم و اساسی بوده و هسته مرکزی نشانه‌شناسی غذا می‌باشد. در مورد غذای نذری، مکان مهم می‌گردد که در

چهارچوب ارتباط بین سوژه و ابژه به وجود می‌آید، نیرویی است که دو جسم را به هم پیوند می‌دهد و سبب تعامل بین سوژه و ابژه می‌گردد. پونتی^۱، پدیدارشناس فرانسوی، هم معتقد است بین حضور سوژه و ابژه یک هسته مشترکی وجود دارد و آن "بودن" در این دنیا است؛ "هست شدن". مثلاً میوه‌ها وجود دارند ولی تا وقتی که خورده نشوند هست نمی‌شوند (معنادار نمی‌شوند)؛ هر دو در خوردن حضور پیدا می‌کنند. در واقع هنگامی که سوژه و ابژه بر هم منطبق می‌گردند، خصوصیات حسی که در ابژه‌های دنیا وجود دارند و ذاتی است و توانش آن جسم (سوژه) با همان کیفیت خود در تقابل قرار می‌گیرند و معنا حاصل می‌گردد. این مرحله تولید معنا بین دو جسم فیزیکی است، جسمی که جسم دیگری را احساس می‌نماید. با این تعامل ما به درک معنا سازی حسی-ادراکی می‌رسیم که این ارتباط بین نوام^۲ و معناست.

از بحث پدیداری که بگذریم، در بحث نشانه‌شناسی اجتماعی غذا، مزه، ذائقه و سلیقه مطرح می‌گردد. مفاهیمی که لاندوسکی (۲۰۰۴) در کتاب *هیجانان بی نام*^۳ به کار برده است؛ از لذت حواس (اینجا حس چشایی^۴) به حس و معنای لذت مشترک^۵ می‌رسیم. چگونه؟

اولین چیزی که در بحث غذا و پیکره مورد مطالعه ما مطرح و ابتدائی‌ترین نوع آن است لذت خوردن و آشامیدن می‌باشد. ولی در اینجا بحث تحریک کردن حس چشایی نیست که مربوط به سیستم عصبی ما باشد، بلکه آنچه مهم است ارزش گذاشتن به نوعی لذت است که جسم ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌طور ساده، وابسته به قدرت رفع گرسنگی غذا می‌باشد و لاندوسکی آن را پلان ملموس (عینی)^۶ می‌داند، زیرا تأثیر رابطه بین جسم فیزیکی و حس ما است که در بحث زیبایی‌شناسی (شناخت دنیا از طریق حواس پنجگانه معنای اولیه) مطرح می‌شود. بین خورنده غذا و آن غذا این حس برقرار می‌شود. ولی مسئله دومی هم وجود دارد که مهم‌تر است و آن بحث پیوند مذهبی اجتماعی است که بین افراد، یعنی کنشگران یا به عبارتی بین عزاداران برقرار می‌شود، این پیوند عینی نیست بلکه ذهنی و نامحسوس است. این بعد دوم بنا به گفته لاندوسکی در نشانه‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد. در عین حال، هرگز نمی‌توان

1. M.M. Ponty
2. Noème
3. *Passions sans nom*
4. Le plaisir du goût
5. Le goût du plaisir
6. Plan concret

داده می‌شد، چیزی گرفته می‌شد. این تبادل در آغاز میان سرخپوستان شمال-غربی آمریکا به‌عنوان "سنت پوتلاش" رایج بود. مراسمی بود که در آن به طرف مقابل، یعنی رقیب، چیزی را می‌بخشیدند که آن طرف قدرت جبران آن را نداشته باشد و بدین ترتیب، قدرتش را به طرف مقابل نشان می‌داد. در واقع نوعی اعلان جنگ به وسیله این کادو بود. از این بخشش برای نمایش قدرت استفاده می‌شد.

به دنبال موس، لوی-استروس^۵ مردم‌شناس و گرماس نشانه‌شناس مدل این تبادل ارزش‌ها را مورد مطالعه قرار دادند و در بحث نشانه‌شناسی روایی، شی ارزشی را مطرح کردند که مسئله بسیار مهمی می‌باشد. در مورد مفهوم ارزش سه تعریف وجود دارد؛ تعریف زبان‌شناسی، اقتصادی و علم اخلاق. در رشته زبان‌شناسی، سوسور نشان داد که ارزش یکی از ارکان اصلی در زبان است که ارتباط بین بیان و محتوا را نشان می‌دهد که در سیستم یمسلوی هم این مسئله به‌وضوح دیده می‌شود. ارزش تنها ارتباط بین فرم و محتوا نیست، بلکه از رابطه تقابلی بین واژه‌ها، در زبان به‌عنوان پدیده انتزاعی، ارزش به‌وجود می‌آید و مفهوم اصلی واژه را در گفتمان مشخص می‌کند. مثال معروف سوسور، واژه "گوسفند" در زبان انگلیسی و زبان فرانسه *mouton et cheep* که دارای یک معنی می‌باشند ولی ارزش یکسانی ندارند. معنای موتون (گوسفند) در زبان فرانسه را زمانی می‌توان فهمید که در متن باشد.

من گوشت گوسفند خوردم

J'ai mangé du mouton.

من یک گوسفند دیدم.

J'ai vu un mouton.

در حالی که در زبان انگلیسی می‌توان دو جمله *I saw a mutton* و *I ate the mutton* را به‌کاربرد. به عبارتی، واژه *mouton* و *mutton* ارزش یکسانی ندارند. در واقع، یک نشانه ارزشش را با واقعیت خارج از زبان به‌دست نمی‌آورد بلکه در ارتباط متقابلی که واژگان در آن نظام زبانی دارند، ارزشمند است (رک به سوسور، دوره زبان‌شناسی عمومی).

در بحث اقتصادی نیز واضح است که ارزش مادی برای اموال یا اشیاء تعریف می‌شود و در تبادلات و دادوستد، بدهستان‌ها اشیاء ارزشمند می‌گردند. در علم اخلاق، زیبایی‌شناسی ارزش بررسی می‌گردد که به صورت معنوی و

انجا اعمالی انجام می‌گیرد که غذا، ارزشی دیگر یا ارزش‌های دیگری را به‌دست می‌آورد. در این فضا، سوژه پراگماتیک (کنشی) وارد می‌شود و ارزش‌های دیگری به آشپزی و به غذا می‌دهد، آن‌هم در یک فضای فرهنگی-مذهبی یا به عبارتی اجتماعی-مذهبی. این ارزش غیر از ارزش وابسته به خود غذا می‌باشد، ارزشی درونی^۱ (وابسته به خود غذا) نیست، ارزش مذهبی است که فراتر از مسئله لذت خوردن غذا می‌باشد. در اینجا پارادوکسی نیز به‌وجود می‌آید. عمل خوردن موضوعیت اصلی خود را از دست می‌دهد تا ارزش دیگری به‌دست آورد، به جای اینکه فقط ارضای گرسنگی باشد (نشانه‌شناسان از یک پلان سوپژیک صحبت می‌کنند که وابسته به حواس است (پارک، : ۱۹۴). بخش فرهنگی-مذهبی آن حوزه دیگری را به نمایش می‌گذارد که وابسته به سوژه کنشی (کنشگر فاعلی) است، بحث ایمان، باور، بخشش، ارادت و غیره که در حوزه ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرد، زیرا رفتار و آداب کنشگر فاعلی، طبیعتاً تأثیراتی بر روی مهمانان یا گیرندگان غذا به‌وجود می‌آورد. بی‌شک بخشی که مربوط به آشپزی است نقش اولیه در ارتباط میان سوژه و تأثیر حسی غذا ایجاد می‌کند، ولی رفتارهای فرد و باورهای او نیز به‌طور ضمنی در ارتباط میان سوژه و تأثیراتی که از غذا می‌گیرد نقش دارد. این موارد درونی و ذاتی نیست، بلکه وابسته به ارزشی است که غذا در آن محیط مذهبی کسب می‌کند. حال باید دید که ارزش چگونه به‌وجود می‌آید؟

ارزش

موس^۲ (جامعه‌شناس فرانسوی ابتدای قرن ۲۰) مقاله معروفی دارد تحت عنوان "رساله‌ای در باب دادوستد، تبادل در جوامع قدیمی" که بحث‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در آن مطرح شده و نشانه‌شناسان مکتب پاریس از آن الهام گرفته و مسئله شی ارزشی^۳ را مطرح کرده‌اند. "دادن چیزی" به عنوان شیوه‌ای از توزیع کالا در بطن جامعه در یک سیستم تبادل اهمیت داشته است. ابزار آلات، خوراک، پوشاک و غیره از طریق ارزش‌هایشان با هم مبادله می‌شدند. در واقع، به‌جای کالاها، ارزش‌ها با هم مقایسه شده، حتی جایگزین هم گردیده و موجب تبادل میان افراد می‌شد و با این ارزش‌ها سیستم بده‌بستان^۴ به‌وجود آمد، در مقابل چیزی که

1. Immanent
2. M. Mauss
3. Objet de valeur
4. Don et Contre-don

5. C. Lévi-Strauss

توجه قرار می‌دهند: یکی دیکتوم^۱ یعنی ارتباط فاعل با موضوع و دیگری مودوس^۲ یعنی رفتار سوژه نسبت به آن محتوا. بیان رفتار سوژه نسبت به محتوای آن، مودوس نامیده می‌شود (لو کرلر، : ۶۱).

در مسائل اجتماعی گفته‌پرداز و یا گفته‌یاب بخشی از جامعه است و بخش دیگر، کنشگران هستند به نام مردم. فعالیت‌های علمی، مذهبی، سیاسی، خبرنگاری، آموزشی و غیره جزء فعالیت‌های اجتماعی هستند که هر کدام نقش ویژه‌ای دارند. نقش اجتماعی هر کدام از این فعالیت‌ها عبارت از شیوه عمل، هدف از آن عمل و نقش مردم در آنها است که برخی خصوصیات و ویژگی‌های آن کنش‌ها را نشان می‌دهد و مدل و نمونه‌ای را ارائه می‌دهد. گرماس (۱۹۷۶) مدالیت‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: آن‌هایی که از بیرون تحمیل می‌شوند^۳: بایستن و توانستن (اجبار و قدرت) که منجر به کنش می‌گردد و مدالیت‌هایی که در درون کنشگر^۴ وجود دارند: خواستن و دانستن (اراده و دانش) که وضعیت کنشگر را نشان می‌دهد. پاپس^۵ در رساله‌ای که در سال ۱۹۹۳ دفاع کرد، از این تفکر گرماس الهام گرفت و کارکرد مدالیت‌ها را در گفتمان‌ها و اعمال اجتماعی مورد بررسی قرار داد. وی در ابتدا نشان داد که "قدرت" نقش اساسی در این گفتمان‌ها ایفا می‌کند: در علم، توان قدرت ایجاد دانش؛ در تکنولوژی، توانایی و قدرت به‌کارگیری دانش؛ در حقوق، توانایی و قدرت ایجاد اجبار؛ در سیاست، توانایی و قدرت ایجاد میل و قصد انجام کار؛ در مذهب توانایی و قدرت ایجاد باور و غیره. مذهب این قدرت را دارد که باورها تقویت کند. به همین دلیل، جامعه‌شناسان نیز معتقدند که آنچه مردم ثروتمند و فقیر، طبقه سرمایه دار و کارگر، افراد تحصیل کرده و بی‌سواد را به هم پیوند می‌دهد، باورهای فرهنگی-مذهبی یا فرهنگی-ملی می‌باشد. هیچ چیز نه خانه‌های بزرگ، نه آپارتمان‌های مجلل، نه اشیاء لوکس و تجملی، نه فقر و نه نیازمند بودن مانع از این نمی‌شود که دو طبقه مختلف جامعه در اعتقادات مذهبی با هم متحد نشوند. در مراسم مذهبی، در عزاداری‌ها، در مراسم آئینی، مردم به‌صورت یکپارچه ظاهر می‌گردند. این اولین نوع قدرت است؛ باور به وجود آمده خود موجب قدرت می‌شود.

مجازی وجود دارد. برای نمونه، تقوی یک فضیلت محسوب شده و ارزشمند می‌گردد.

در تعریف ارزش از منظر نشانه‌شناسی، این سه دیدگاه با هم تلفیق می‌گردد. هم بحث رابطه تقابلی وجود دارد، که به طور ساده در پیکره مورد مطالعه ما، ارزش غذای نذری در رابطه با غذاهای دیگر به‌وجود می‌آید: برای مثال، غذایی که خود فرد برای آن زحمت می‌کشد، هزینه می‌کند، برای درست کردن آن وقت صرف می‌کند، با غذای رستوران که در قبال آن پول پرداخت می‌کند، متفاوت می‌گردد و بدین ترتیب، در مقایسه و تقابل با دیگر غذاها دارای ارزش می‌گردد. از نظر اقتصادی، بابت این غذا پولی پرداخت نمی‌گردد. شایان ذکر است که در اینجا بحث تبادل و دادوستد نیست و به نوعی رایگان بودن غذا ارزشمند است. در واقع دادوستد از نوع رایج اقتصادی نیست، بلکه برای برآورده شدن آرزویی یا سیاست از برآورده شدن آن آرزو، غذا بین دیگران توزیع می‌گردد که مربوط به بحث اخلاقی آن است. تبرک بودن غذا در حوزه اخلاق جا می‌گیرد، علاوه بر بحث تبرک، بخشش، باور مذهبی، وابستگی به یک ایدئولوژی نیز به ارزش‌های آن اضافه می‌گردد.

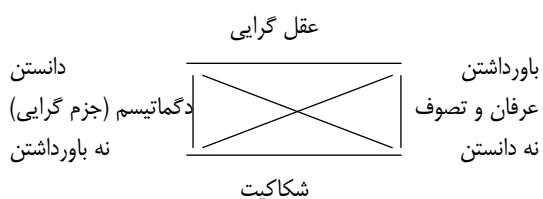
گرماس در بحث شیوه‌های تبادل ارزش‌ها، یک تیپولوژی (نوع خاصی) را تعریف می‌کند که این ارزش‌ها بین سوژه‌ها در یک برنامه روایی مبادله می‌شوند. در اینجا نیز، کنشگران در یک برنامه روایی واقع می‌شوند: تهیه مواد غذایی از پیش، پختن آن‌ها، اجرای مراسم مذهبی (سخنرانی، عزاداری و غیره) توزیع غذا. در نهایت ما با دو مدل کنشگر سوژه سروکار داریم: کسی که غذا می‌دهد (فاعل-کنشی) و کسی که غذا می‌گیرد (سوژه حالتی) و همانطور که پیش از این عنوان شد، یک بعد سوم اجتماعی نیز وجود دارد که کنشگران را در یک ارتباط بین‌الذهانی قرار می‌دهد و در نهایت، بعدی اخلاقی به‌وجود می‌آورد که ارزشمند است. حال باید به این مسئله پرداخت که چرا اخلاق تأثیرگذار است؟

مدالیت‌ها (افعال مؤثر): قدرت و باور

بنا به گفته گرماس، یکی دیگر از موضوعات حائز اهمیت در نشانه‌شناسی به ویژه نشانه‌شناسی اجتماعی بحث مدالیت‌ها (افعال مؤثر) است، یعنی چه عواملی در معناسازی گفتمان‌های غیرادبی و اجتماعی نقش مؤثر دارند؟ لازم به ذکر است که منطقیون در گفته‌پردازی دو مسئله را مورد

1. Dictum
2. Modus
3. exotaxique
4. Endotaxique
5. Cidmar-Theodor Päis

شهودی به وجود می‌آید، اجبار باور (بایستن باور)^۲ که این اجبار در مراتب بالا منجر به پذیرش خرافه می‌گردد و میل باور (خواستن باور)^۳ که امید و آرزو را می‌پروراند. بنابراین در مسائل اعتقادی، باور همواره حضور دارد و گرماس مربع معنایی زیر را ارائه می‌دهد که رابطه میان باور و دانش چه مواردی را به وجود می‌آورد؛ باور به همراه انکار دانش بحث عرفان و تصوف، باور و دانش به همراه هم، عقل‌گرایی، دانش با عدم باور، دگماتیسم، و عدم دانش و عدم باور بحث شکاکیت را به وجود می‌آورد.



در مورد غذای نذری و مراسم مذهبی طبیعی است که از میان دو دسته کلی ارائه‌شده توسط پایس، مورد دوم، یعنی مورد اعتقادی نقش اساس دارد که به سه صورت هم ظاهر می‌گردد؛ توانایی باور یعنی هم ظرفیت و هم امکان آن وجود دارد، هم اجبار باور (با سخنرانی‌ها). با توانایی بالقوه‌ای که در کنشگران وجود دارد، باوری تحمیل می‌شود (یا از طریق مدل سخنرانی، شور و حرارت در عباداری و یا اینکه نذری برآورده شده این غذا پخته می‌شود، یا ارادتی که وجود دارد). میل به باور مذهبی هم به وجود می‌آورد؛ آرزوی برآورده شدن حاجتی (به صورت اعلام نذر در شرایط مختلف).

بحث و نتیجه‌گیری

غذای نذری با ایجاد فضایی فرهنگی-اجتماعی همواره موضوع مورد مطالعه نشانه‌شناسی باشد. در نشانه‌شناسی اجتماعی سیر زایش معنا مورد مطالعه قرار می‌گیرد، روش‌های مختلفی که در تولید معنا دخالت دارند. بنابراین با یک فرمول ساده سروکار نداریم، بلکه با کنش‌های پیچیده‌ای مواجه هستیم که رویکردهای متنوع و چندرشته‌ای (بحث‌های شناختی، نشانه‌شناسی عمومی، جامعه‌شناسی) را می‌طلبد، به عبارت دیگر برای بررسی فرایند تولید معنا باید از رشته‌های مختلفی سود جست.

با بررسی نشانه‌شناسی اجتماعی غذای نذری به این مهم دست یافتیم که با نظام نشانه‌های درهم‌آمیخته‌ای مواجهیم که

در پیکره مورد مطالعه، غذا به عنوان پیونددهنده رابطه اجتماعی، ما را به درک "جمع شدن ملی" می‌رساند، کنشگران همانند یک جوهر می‌شوند و دارای خصوصیات ویژه‌ای می‌شوند که می‌توان اصطلاح لاندوسکی را در این مورد به کار برد: تن واحد یا جسم واحد در حال حرکت. نمایشی که جمع کنشگران به وجود می‌آورد، نمایشی است که در آن شخص یا اشخاص مهم نیستند و همانند سایه‌هایی می‌گردند که بسان موج حرکت می‌کنند و تداعی‌کننده دست‌هایی است که در هنگام عباداری بالا و پائین می‌روند بدون آنکه شخص مهم باشد. اینگونه است که غذا مزه و طعم اجتماعی پیدا می‌کند و نوع آن مهم نیست. مدل دعوت آن‌هم متفاوت می‌گردد؛ دعوت به جمع کردن جسم و روح در یک اجرای آیینی-مذهبی. تا آنجا که می‌توان اذعان داشت غذا مزه قدرت پیدا می‌کند، قدرتی که درونی و ذاتی نیست، بلکه استعلا یافته است. از بیرون این ارزش را به دست آورده است. قدرت باعث می‌شود جمع به هم پیوند خورده، خود را رها کرده و باور کند. دیگر تفاوتی بین طبقه فقیر و ثروتمند، یا بالای شهر و پایین شهر وجود ندارد. بعضاً دیده شده که افراد با ماشین‌های مدل بالا یا افراد ثروتمند به دنبال غذای نذری می‌گردند. این مرحله استزای مذهبی است. مرحله‌ای که جسم و حس چشایی جمعی می‌شود، یکی از بین می‌رود و جای خود را به دیگران می‌دهد. آن چه متناقض است این است که قدرتی که به وجود آمده توسط قدرت دیگر نفی می‌شود. یعنی غذای نذری ضمن برهم‌زدن لایه‌های قدرت (از بین بردن اختلاف طبقاتی برای نمونه) موجب به وجود آمدن لایه‌های قدرت جدید می‌شود، گاهی افرادی که نذری می‌دهند، احساس قدرت می‌کنند و این در نوع برخوردشان هویدا است: صاحب هیئت یا صاحب نذر احساس قدرت بیشتری نسبت به افراد شرکت‌کننده می‌کند، افرادی که در حال توزیع غذا هستند، احساس قدرت در کلام و رفتارشان دیده می‌شود، گویی احساس برتری بیشتر نسبت به بقیه می‌نمایند.

در ادامه مبحث پیشین، پایس که اذعان داشت "قدرت" نقش محوری در نشانه‌شناسی دارد، باید خاطر نشان کرد که او بر این اساس مدالیت‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: شناختی (مثل قدرت ایجاد دانش) و اعتقادی (مثل قدرت ایجاد باور). در واقع می‌توان گفت "قدرت ایجاد باور به سه صورت اعمال می‌شود: توانایی باور (قدرت باور)^۱ به صورت

2. Devoir Croire
3. Vouloir croire

1. Pouvoir Croire

سؤال دیگری که مطرح می‌شود و می‌تواند موضوع تحقیق بعدی باشد، این است که آیا غذای نذری می‌تواند کارکرد اسطوره‌ای از دیدگاه نشانه‌شناسی داشته باشد؟

ارزش‌های نامتجانس مادی و معنوی را کنار هم قرار داده و موجب برقراری پیوند قوی میان افراد جامعه می‌گردد، ذائقه و سلیقه فردی را جمعی کرده و ارزش و محتوا مهم‌تر از فرم، نوع بیان و شکل ظاهری می‌گردد.

منابع

- بارت، رولان (۱۳۸۶). امپراتوری نشانه‌ها. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- رضی، هاشم (۱۳۵۲). تاریخ ادیان، میتولوژی اساطیر و افسانه‌ها. جلد ۲، تهران: کاوه.
- رضی، هاشم (۱۳۸۲). دین و فرهنگ ایرانی. تهران: سخن.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۵). "درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک: G. (1998). *Sémiotique gourmande. Du goût entre esthésie et sociabilité. Nouveaux actes sémiotiques*, n° 55-56. Limoges: Université de Limoges.
- Landowski, E. (2004). *Passions sans nom*. Paris: PUF, formes sémiotiques.
- Le Querler, N. (1996). *Typologie des modalités*. Caen: Presses universitaires de Caen.
- Park, W.-G. (2001). *Compte-rendu: Seung-kook Balk, manger le fondu au cinéma*. In H. Parret (Ed.). *Nouveaux actes sémiotiques* (pp.192-198). Limoges: Université de Limoges.
- Pais, C. Th. (1993). *Etude des modalités de la langue portugaise*. Retrieved online from <http://epublications.unilim.fr/revues/as/>
- Saussure, F. (1995). *Cours de linguistique générale*. Paris: Payot.
- مزدارپور، فرنگیس (۱۳۷۲). یاد بهار. تهران: آگاه.
- Ablali, D., & Ducard, D. (2009). *Vocabulaire des études sémiotiques et sémiologiques*. Paris : Honoré Champion.
- Barthes, R. (1964). *Eléments de sémiologie . Communications*. 91-135. www.persee.fr/collection/comm.
- Barthes, R. (1970). *L'Empire des signes*. Paris : Seuil, Points Essais.
- Greimas, A.-J. (1976). *Modalités épistémiques et modalités doxiques: aspects idéologico-sémiotiques des processus cognitifs*. Sao Paolo. <https://www.academia.edu/8998871/>
- Fontanille, J. (2008). *Pratiques sémiotiques*, Paris: PUF, formes sémiotiques.
- Fontanille, J. (2011). *Corps et sens*. Paris : PUF, formes sémiotiques.
- Landowski, E. (1997). *Présences de l'autre*. Paris: PUF.
- Landowski, E., Grignaffini, G. & Marrone,



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)